



## «حلقات»

### درس ۱۳۷

استاد: حجت الاسلام والمسلمین علم الهدی  
آموزشیار : آقای مهدوی

## مقدمه

در ادامه مباحث اجماع به آنجا رسیدیم که اجماع برای انکشاف از ارتکاز عام و سیره متشرعه احتیاج به شروطی دارد. در این درس، عمده این شروط مطرح شده و در ذیل هر شرط؛ علت اشتراط نیز مورد بررسی قرار خواهد گرفت. هم چنین در ضمن مباحث، توضیحاتی راجع به اجماع مدرکی، عدم حجیت آن و کاربردهای این قسم از اجماع در استنباط فقهی بیان می شود.

## متن عربى

الاول: ان يكون الاجماع من قبل المتقدمين من فقهاء عصر الغيبة الذين يتصل عهدهم بعهد الرواة و حملة الحديث و المتشرعين المعاصرين للمعصومين، لأن هؤلاء هم الذين يمكن أن يكشفوا عن ارتكاز عام لدى طبقة الرواة و من اليهم، دون الفقهاء المتأخرين.

الثانى: ان لا يكون المجمعون او جملة معتد بها منهم قد صرحوا بمدرك محدّد له م، بل ان لا يكون هناك مدرك معين من المحتمل استناد المجمعين اليه، و الا كان المهم تقييم ذلك المدرك. نعم، فى هذه الحالة قد يشكل استناد المجمعين الى المدرك المعين قوة فيه، و يكمل ما يبدو من نقصه.

و مثال ذلك : ان يثبت فهم معنى معين للرواية من قبل كل الفقهاء المتقدمين القريبين من عصر تلك الرواية و المتأخرين لها، فان ذلك قد يقضى على التشكيك المعاصر فى ظهورها فى ذلك المعنى؛ نظرا لقرب اولئك من عصر النص و احاطتهم بكثير من الظروف المحجوب عنها.

الثالث: ان لا توجد قرائن عكسية تدل على أنّ فى عصر الرواة و المتشرعة المعاصرين للائمة (ع) لا يوجد ذلك الارتكاز و الروايات الواضحة اللذين يراد اكتشافهما عن طريق اجماع الفقهاء المتقدمين، و الوجه فى هذا الشرط واضح بعد ان عرفنا كيفية تسلسل الاكتشاف و دور الوسيط المشار اليه فيه.

## شرایط کاشفیت اجماع از دلیل شرعی:

### ۱. مربوط بمتقدمین باشد.

منظور از متقدمین، آن دسته از فقهای عصر غیبت می باشد که عصر و دوره آنها متصل به عصر روات و حمله حدیث است. به تعبیر دقیق تر، تمام فقهای پیش از علامه حلی جزء قدما محسوب می شوند و تمام علمای بعد از علامه حلی جزء متاخرین به شمار می روند. حجیت اجماع تنها در صورتی که علمای متقدم به اجماع رسیده باشند و بر اجماع متاخرین هیچ فایده ای مترتب نمی باشد.

### علت شرط اول:

از آن رو که هدف، کشف سیره متشرعه و ارتکاز عام زمان معصوم (ع) از طریق حساب احتمالات می باشد، تنها کسانی می توانند این ارتکاز عام را کشف کنند و به وضوح و روشنی دریافت نمایند که به زمان ائمه (ع) نزدیک باشند، و آنها همان طبقه متقدمین می باشند.

### ۲. عدم وجود مدرک اجماع:

اولا- همه یا عده قابل توجهی از مجمعین به مدرک فتوایشان تصریح نکرده باشند.

ثانیا- مدرکی (اعم از قرآن، حدیث و یا حکم عقل) موجود نباشد که بتوانیم احتمال بدهیم این مدرک، مستند مجمعین در فتوایشان قرار گرفته است.

### علت شرط دوم:

هدف این بود که از طریق اجماع، وجود یک دلیل شرعی که در کتب روائی موجود نمی باشد و به دست ما نرسیده است را کشف کرده و در فتوایمان از آن دلیل کشف شده، استفاده بکنیم.

اما اگر مدرک اجماع موجود باشد و یا احتمال بدهیم مدرک موجود همان مدرک مجمعین است، در این جا اجماع فاقد اعتبار است؛ چرا که دلیل شرعی، با استفاده از اجماع، کشف نشده است و این برخلاف فرض است؛ بنابراین خودمان باید مدرک موجود را بررسی کرده و طبق آن فتوی بدهیم.

## کاربرد اجماع مدرکی:

اجماع مدرکی برای جبران ضعف دلالت و ضعف سند کارآیی دارد. اجماع مدرکی به کمک روایت می آید و شک پیرامون سند یا دلالت را رفع می نماید.

**مثله:** در روایتی از خوردن گوشت حمار نهی شده است؛ از آنجا که نهی، ظهور در حرمت دارد، علی القاعده باید حکم ب حرمت شود. اما اجماع علما بر کراهت گوشت حمار نشان دهنده آن است که مراد معصوم (ع) از نهی در این روایت کراهت می باشد.

### نکته:

در استفاده از اجماع مدرکی برای جبران ضعف السند باید دقت شود که مستند مجمعین تنها همین روایت ضعیف السند باشد و مستند دیگری نداشته باشد.

### سؤال:

چرا اجماع مدرکی ضعف سند و دلالت را جبران می کند؟

### جواب:

در هر برهه زمانی در یک جامعه قرائن خاصی وجود دارد که برای مردم آن زمان کاملاً ملموس است اما برای سایرین غیر قابل فهم می باشد.

بر این اساس در زمان ائمه (ع) هم قرائن موجود بوده است که سبب فهم بهتر آیات و روایات توسط مردم آن زمان می شده است.

از آنجا که عصر مجمعین، به عصر روات معاصر ائمه (ع) نزدیک بوده است، احتمال زیادی وجود دارد که آن قرائن به علمای متقدم هم رسیده باشد اما از متأخرین پوشیده مانده باشد. بنابراین توافق و اجماع علمای متقدم بر فهم یک معنای خاص از یک آیه و یا روایت، دلیل بر وجود چنین قرائنی می باشد.

### ۳. عدم وجود قرائنی در مقابل کاشفیت اجماع:

کاشفیت اجماع در راستای کشف یک ارتکاز عام در زمان معصوم (ع) است. بنابراین نباید در مقابل این اجماع، قرائنی وجود داشته باشد که بر عدم چنین ارتکازی دلالت کند. مثلاً فقها به حرمت گوشت خرگوش اجماع کرده اند اما قرائنی مانند متون روایی و قصص و گزارشات تاریخی وجود دارد که نشان دهنده عدم وضوح حرمت گوشت خرگوش بین مردم بوده است. لذا در این صورت بر اساس حساب احتمالات، یک ارتکاز عام و سیره متشرعه از طریق اجماع حاصل نمی شود.

### علت شرط سوم:

کاشفیت اجماع در صورتی است که بر اساس حساب احتمالات با قرائنی احتمالی همراه و مجتمع باشد. هنگامی که درصدهای احتمالی فتاوی مجمعین در کنار هم قرار می گرفت و متراکم می گشت، به وجود یک سیره متشرعه و ارتکاز عام، قطع حاصل می شد. اما هنگامی که قرائنی عکس این اجماع بر فقدان چنین سیره متشرعه ای موجود باشد، طبیعتاً احتمال عدم وجود این سیره بر اساس احتمالات افزایش می یابد و در نتیجه اجماع؛ فاقد اعتبار و کاشفیت خواهد بود.

## چکیده

کاشفیت اجماع از دلیل شرعی، منوط بر چند امر است:

الف) تنها اجماع فقهای متقدم (بر علامه حلی) از ارزش و اعتبار کافی برخوردار است؛ چراکه آنها به عصر حضور معصوم نزدیک تر بوده و امکان کشف ارتکازات عام را داشته اند.

ب) اطلاع از مستند قطعی یا احتمالی مجمعین، کاشفیت اجماع را زایل می کند. لذا استنباط ما باید بر اساس مستند مجمعین باشد نه خود اجماع.

نکته: اجماع مدرکی برای جبران ضعف دلالت و ضعف سند، قابل استفاده است.

ج) شرط سوم آن است که قرائنی بر خلاف اجماع وجود نداشته باشد؛ زیرا کاشفیت اجماع بر اساس حساب احتمالات است و قرائن عکسی، احتمال کاشفیت اجماع را کاهش می دهد.